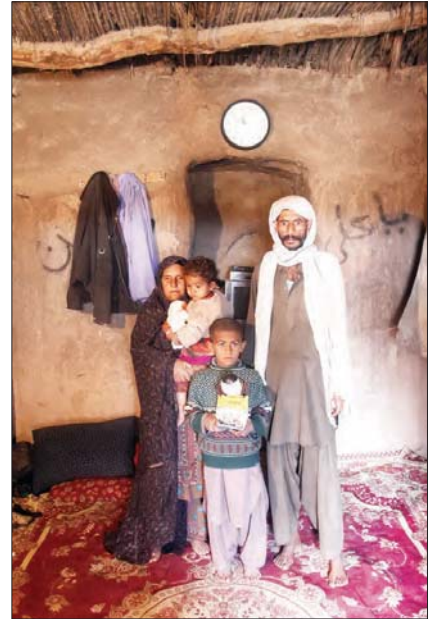


روستاهای جنوب کرمان از امکانات اولیه محرومند

این جا آب نیست، برق نیست، تن و صورت‌ها ماه به ماه رنگاب نمی‌بندد، آب و آسودگی دست‌یافتنی نیست در جنوب کرمان. کسی سراغی از تشنگان یاده نمی‌گردد مگر خیران و امدادگران هلال‌احمر که وقتی گردماشین‌هایشان در خم جاده بیند می‌شود چشمان تشنه‌تر می‌شود و زبان‌هایه سخن می‌آیداز دردی که تمام نمی‌شود.



عکس: محسن سعادت نصیری / پیکار روستاییان در حدود ۴۰ کیلومتری کوهستان است و صعب العبور، باید از رودخانه‌ای خشک به‌عمر ۱۷۰ کیلومتر می‌گذشتیم. باران سختی می‌بارید و کاروان ماشین‌های کمک‌سازان بارها می‌مان کل و لای گیر کرد. اگر کمک امدادگران هلال‌احمر نبود این سفر میسر نمی‌شد.



عکس: محسن سعادت نصیری / نگاهشان خالی است. گرسنگی و فقر خشکشان کرده، وقتی به این خانواده رسیدیم، وقت ناهار بود. لای‌تانه‌های خشکشان، دست‌های پودیده‌تر بود. دستم را دراز کردم میان سفره خالی، حیوان خشکی‌تان، همه‌شیرین بویچرا احساس می‌کردم.



عکس: محسن سعادت نصیری / بچه‌های کیرتشین اگر خیلی خوبت باشد، کاتکس‌های نصیبشان می‌شود که در آن درس بخوانند. کلاس‌های آهنی از روستاها سرد و تابستان‌ها داغ و غیر قابل‌حمل.



عکس: محسن سعادت نصیری / تنها تانگر آنی که در این روستاها می‌ماند، برای بچه‌های کیرتشین همین هم غنیمتی است. آبی‌مانده‌گو بوز می‌زند، اما این کودکان برای استفاده از آن صف می‌کشند.



عکس: زهرا مشتاق / شاپن قوزی‌هی (اریایی)، هم این زن را به خاطر بسیاری، او خود را وقف مردم فراموش شده این سرزمین کرده است.



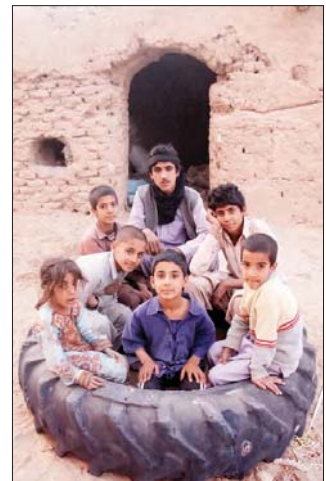
عکس: محسن سعادت نصیری / کیرتشینان مردم قلمری هستند که محتاج یک کیسه آرد هستند. هر کیسه آرد ۵۰ کیلوگرم می‌شود ۴۴ هزار تومان و آن‌ها حتی از تعیین این مقدار هم ناتوانند.



عکس: زهرا مشتاق / سرروستای تلخ این خانواده فراموش‌شدنی نیست. هفت سال قبل مادر خانواده یک روز از خواب بیدار شد و دید که شوهرش رفته، او مانده و چندین بچه و سربه‌ای خانگی دختر بزرگش هم سرروستای تلخ دارد. شوهر ۳۰ ساله‌اش سال قبل به خاطر حمل مواد مخدر اعدام شد.



عکس: زهرا مشتاق / کیرشان را شب گذشته با دره بود و میهمان گیری دیگر بودند. با اتناص تقاضای گیری دیگر داشتند. صری‌بادستی از کار افتاده.



عکس: محسن سعادت نصیری / بزرگترین اسباب‌بازی دنیا، تازی باقی‌مانده از یک صاف‌په چشم‌هایشان نگاه کنید. امیدو اندوه به یک اندازه در صورتشان می‌درشد.